



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۹/۲۸



داکتر صلاح الدین سعیدی

افغانستان حل قومی و زبانی نداشت و ندارد!

قسمت اول

برای وجود آفتاب ضرورت به سند آوردن هم نیست. حرکت طالب و ترکیب اتنیکی و حکومت اش در افغانستان را میبینیم و میدانیم؟

از لحاظ اسلامی اخوت اسلامی و ملت مسلمان مطرح است و درین عرصه از لحاظ فکر اسلامی دغدغه وجود ندارد و بحث نیست. در وجود اختلاف امیر... با زیر دست (جناب ایوبی (که خود قومندان طالب است، میگویند: « امیر میسرود: من را امیر انتخاب کردی؟ جواب بلی: اطاعت از امیر واجب است! جواب: بلی . خوب برو اطاعت کن! و قصه ختم .

اما برای این بحث قول حضرت عمر خلیفه دوم اسلام که تأکید داشت، اگر تخلف کردم به همین شمشیر راستم کنید، و لا طاعت للمخلوق فی معصیت الخالق (طاعت به مخلوط در تخطی از خالق نیست!) و دهها نصوص شرعی برای تنظیم امور مسلمین، به اصول اسلامی و وجیهه مسلمان در گفتن حق، مطرح است که چنین توان و ارایه منطق، عملاً در وجود تعداد زیادی در عصر امروز دبین طالبان در عمل، دیده نمی شود. در صدر اسلام و حتی خلفای راشدین که تهدید شهادت وجود داشت و شهید نیز هم شدند از ملت کنار و غایب نه شدند، در خفاء زندگی کردن را اختیار نه کردن .

وایس، مستقیم به اصل بحث درین است که راه حل و ایجاد تصویر حل در ذهن بعضی که هرچه جمع، ضرب و تقسیم میکنند و نتیجه میگیرند و از قوم و زبان و حوزه فرهنگی به زعم خویش برآمده نمیتوانند و به تجارت قومی و زبانی رفته و امتیاز میگیرند و یا خوبی و بدی، جرم و جنایت، را مانند افکار فاشیستی و هیتلری در بنیاد نژادی خلاصه میگردند و دارند و از اصل شهروندی و اصل خوبی و بدی به اساس افراد نمی اندیشند، و تحت همین افکار در حل مسایل امروز سیاسی به این نتیجه ای دارای تأثیران معکوس میرسند، و تأکید دارند که منظور شان قبل از همه قوم است و تأکید دارند، که نه ، با چنین حاکمیت طالب (پشتون) نمی شود و حاکمیت طالب را در ذهن خود و ناگفته ولی در عمل به این نتیجه گیری قومی، نماینده ای مشروع و برحق کل ملت و مردم پشتون میدانند و با ایشان که چنین میکنند، راه تقسیم حوزه فرهنگی و تقسیمات قومی و زبانی سفارش را دارند و نام اش را یا فدالی و یا هم تقسیم حوزه فرهنگی میگذارند، به یقین به خطاء رفته اند .

سؤال برحق مطرح میشود که: تاجک و پشتون در افغانستان کدام بخش، حوزه تمدنی مختص به خود را دارد؟ از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب حوزه تمدنی همه افغانها است!

میدانیم که بعد از انقلاب بلشویکی در روسیه (۱۹۱۷ م) و ایجاد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی) بر حق و یا نا حق (برای تحکیم کشور واحد، مردمان یک منطقه را به منطقه دیگر با دادن امتیاز و یا تهدید و اجبار کوچ دادند و به این ترتیب، ترکیب اتنیکی کل کشور را با هم خلط و مزج ساختند و به زعم خویش محکم کردند و گره زدند و به نحوی تحت همین افکار و افکار مشابه دیگر، شاه وقت افغان، نیز مانند مالک تمام املاک غیر منقول افغانستان، به عده از رعیت خود زمینهای تودیع کرد و این ناقلین ، در طی سه الی چار نسل از دشتهای، مزرعه ساختند و حاصلات گرفتند، خانه و کاشانه بر آن اعمار کردند و نسلهای در آن زندگی دارند و حال علم برداران حاکمیت فدرال و حاکمیت به اصطلاح غیر متمرکز و تقسیمات حوزه های فرهنگی و دارند که این همه گذشته را واپس تکرار و من نسل دوم و سوم متولد شده درین حالت و درین مناطق، چه گناه دارم که باید واپس زمین و خانه آبا و والدین و زادگاهم از من غصب و از همه چیز محروم شوم و تصفیه های قومی بیست سال جمهوریت ادامه پیدا کند؟! چرا و به چه استدلال سخیف؟! این تلاش و این افکار که علمبرداران آن طی مصاحبه های تصویری در پهلوی فدرالی، آنرا مخفی هم نمی دارند، اظهار شده و گاه گاه تلاش پنهان کاری هم دارند!

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

این بازگشت اجباری و یا غارت شان، دیگر جز تجزیه و جدایی حوزه تمدنی و امثال آن نتیجه گیری ها خطاء است که این نتیجه گیری های که نه درست، نه برحق، نه علمی و نه هم حل است! نتایج معکوس و تباه کن داشت و دارد! میپردازند!

به یقین مبارزه با تمامیت خواهی ازین راه، تحقق بی عدالتی، نمی شود
با تمام نیت نیک این افراد در ذهن خود انتظار دارند و یا انتظار ایجاد میکنند که ایجاد این حوزه های فرهنگی و زبانی را برای شان باز از جانب عسکر امریکا و یا روس و یا ایران و یا چند فراری و ... با تجارب و تخلفات بیست سال جمهوریت، پولهای فروش معادن و اختلاس بانکها و گمرکات و با انتروی به یک جانب امریکایی، باز دست به دست هم داده، و به این ترتیب، حد اقل مانند سودان به سودان شمالی و جنوبی خواهند رسید و به این ترتیب ازین مصیبت و توتالیته ای حاکم نجات خواهند یافت!

این افکار و اندیشه های خطاء، مریضانه، معذورانه و یا هم خاینانه به خطر تجزیه، پروپاشی افغانستان کمک میکنند و این منطق تجزیه در ذهن از این محاسبهای فوق و نا آمیدی از راه حل دیگر، در محاسبه و ذهن بعضی ایجاد میشود و به آن میرسند و می انجامد!

تأکید داریم که هر صلح و امنیت، صلح و امنیت نیست که ما انتظار آنرا داریم و میخواهیم.

هر تسلیمی (دوحه ۲۰۲۱) صلح و مصالحه سیاسی نیست!

یکی از اهداف مصالحه سیاسی باید و باید تجرید متخلف در اذهان جامعه و جهان میبود و باشد!

صلح باغ وحش و امنیت زندان صلح و امنیت

نیست!

صلح بدون داشتن هیچگونه حق در سرنوشت کشور و مردم و در سرنوشت خود، نه صلح است و نه استقرار!

در دو قسمت / پایان قسمت اول